

بازتاب اعمال
در
آیات و روایات

تألیف:

نورالله علیدوست خراسانی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۵
فصل اول: کلیات گناه و بازتاب آن در قرآن و روایات.....	۱۷
۱. گناه از نظر لغت.....	۱۷
۲. آزادی انسان.....	۱۸
۳. نتیجه اعمال در بعضی از آیات.....	۱۹
۴. رابطه گناه و فساد.....	۲۳
۵. تغییرات از خود ماست (یک قانون کلی).....	۲۴
۶. تناسب گناه و کیفر.....	۲۶
۷. شناخت آفات اعمال نیک.....	۳۴
۸. برخی از آفات اعمال نیک: آفت ریاضت، عادت‌های ناپسند.....	۳۶
۹. نقش عادت در زندگی بشر.....	۳۸
۱۰. تمرین وظایف عبادی و اخلاقی.....	۳۸
۱۱. ترک عادت‌های ناپسند.....	۴۰
۱۲. تصفیه نه انتقام.....	۴۱
۱-۱۲. سؤال.....	۴۳
۲-۱۲. پاسخ.....	۴۳
فصل دوم: گناهان کبیره و صغیره.....	۴۹
۱. زمینه‌های تبدیل گناه صغیره به کبیره.....	۵۱
۲. گناهان بزرگ از دیدگاه قرآن و روایات.....	۵۴

۶۱	فصل سوم: تعدادی از گناهان کبیره
۶۵	۱. رباخواری
۶۶	۱-۱. رباخواری در قرآن
۷۰	۱-۲. منطق رباخواران
۷۱	۱-۳. شأن نزول
۷۳	۱-۴. زیان‌های رباخواری
۷۴	۱-۵. تحریم رباخواری در مراحل مختلف
۷۶	۱-۶. رباخواری و محرومیت از ثواب قرض‌الحسنه
۷۶	۱-۶-۱. معنای قرض‌الحسنه
۷۷	۱-۶-۲. پاداش قرض‌الحسنه در قرآن
۷۹	۱-۶-۳. پاداش قرض‌الحسنه در روایات
۸۱	۱-۷. روایاتی درباره وام دادن
۸۱	۱-۸. پاداش قرض هجده برابر
۸۲	۱-۸-۱. پاداش قرض دهنده
۸۳	۱-۸-۲. نکوهش وام گرفتن در صورت بی‌نیازی
۸۴	۲. دروغ‌گویی
۸۶	۲-۱. دروغ در آیات و روایات
۸۸	۲-۲. مذمت دروغ از نظر روایات
۸۹	۲-۳. دوری از دروغ و دروغ‌گو
۹۲	۳. سخن‌چینی
۹۲	۳-۱. سخن‌چینی از دیدگاه آیات
۹۵	۳-۲. نمایی از دیدگاه روایات
۹۷	۴. غیبت
۹۷	۴-۱. مفهوم غیبت
۹۹	۴-۲. غیبت در قرآن
۱۰۳	۴-۳. غیبت در روایات
۱۰۵	۴-۴. انواع غیبت
۱۰۶	۴-۵. حرمت استماع غیبت

فهرست مطالب □ ۷

- ۴-۶. روایات و حرمت استماع غیبت ۱۰۷
- ۴-۷. آثار مثبت و منفی رد غیبت ۱۰۸
- ۴-۸. علاج غیبت و توبه آن ۱۰۹
- ۴-۹. موارد استثناء ۱۰۹
۵. آدمکشی ۱۱۰
- ۵-۱. شأن نزول ۱۱۰
- ۵-۲. آیا قتل نفس موجب مجازات ابدی است؟ ۱۱۳
- ۵-۳. انواع قتل ۱۱۳
- ۵-۴. توبه قاتل ۱۱۴
- ۵-۵. توبه وحشی قاتل حمزه ۱۱۵
- ۵-۶. انتحار و خودکشی ۱۱۹
- ۵-۷. مؤمن خودکشی نمی‌کند ۱۱۹
۶. کم‌فروشی ۱۲۰
- ۶-۱. شأن نزول ۱۲۰
- ۶-۲. وای بر کم‌فروشان ۱۲۱
- ۶-۳. کم‌فروشی از عوامل فساد در زمین ۱۲۳
۷. فرار از جنگ ۱۲۴
- ۷-۱. افسانه موازنه قوا ۱۲۶
- ۷-۲. فرار از جهاد ممنوع ۱۲۷
۸. ترک نماز ۱۳۰
- ۸-۱. برخی از ریزه‌کاری‌های نماز ۱۳۲
- ۸-۲. نماز و بازدارندگی از منکرات ۱۳۷
- ۸-۳. برخی از احادیث در خصوص نماز ۱۳۸
- ۸-۴. نماز بهترین وسیله یاد خدا ۱۳۹
- ۸-۵. نماز و از بین بردن گناهان ۱۴۰
- ۸-۶. اهمیت فوق‌العاده نماز ۱۴۲
- ۸-۷. امید بخش‌ترین آیه قرآن ۱۴۳
۹. ندادن زکات ۱۴۵

- ۱-۹. نقش زکات در اسلام..... ۱۴۵
- ۲-۹. زکات شرط قبولی نماز..... ۱۴۶
- ۳-۹. داستان اصحاب رده..... ۱۴۷
- ۴-۹. زکات عامل پاکی فرد و جامعه..... ۱۴۸
- ۵-۹. مصارف زکات و ریزه‌کاری‌های آن..... ۱۵۰
- ۶-۹. زکات در چه زمانی واجب شد؟..... ۱۵۱
- ۷-۹. اهمیت زکات در اسلام..... ۱۵۲
۱۰. سبک شمردن حج..... ۱۵۴
- ۱-۱۰. حج از بزرگ‌ترین شعائر اسلام..... ۱۵۴
- ۲-۱۰. تأخیر انداختن حج..... ۱۵۵
- ۳-۱۰. ترک حج موجب کفر است..... ۱۵۷
- ۴-۱۰. برخی از امتیازات حج..... ۱۵۷
- ۵-۱۰. اظهار ندامت هنگام مرگ..... ۱۶۰
- ۶-۱۰. فلسفه و اسرار عمیق حج..... ۱۶۲
- ۷-۱۰. تذکر یک نکته: کفار مکلف به فروع‌اند..... ۱۶۴
۱۱. کمک به ستمگر..... ۱۶۶
- ۱-۱۱. سفارش به عدم نشستن در مجلس گناه..... ۱۶۶
- ۲-۱۱. پذیرفتن منصب از طرف حاکم ستمگر..... ۱۶۸
- ۱-۲-۱۱. سؤال..... ۱۶۹
- ۲-۲-۱۱. پاسخ..... ۱۶۹
- ۳-۱۱. وزارت علی بن یقطین چتر حمایتی برای شیعیان: موافقت مشروط امام هفتم علیه السلام..... ۱۷۰
- ۴-۱۱. امام هفتم علیه السلام و توبیخ علی بن یقطین به خاطر ابراهیم جمال..... ۱۷۱
- ۵-۱۱. نهی صفوان جمال از همکاری با هارون..... ۱۷۲
- ۶-۱۱. صفوان کیست؟..... ۱۷۳
- ۷-۱۱. نکوهش زیادبن ابی سلمه..... ۱۷۵
- ۸-۱۱. کفاره خدمت به حاکم ستمگر..... ۱۷۵
۱۲. خوردن مال یتیم..... ۱۷۶
- ۱-۱۲. قرآن و رسیدگی به یتیمان..... ۱۷۶

۱۷۹.....	۲-۱۲. قرآن و جلب عواطف به سوی یتیمان
۱۸۱.....	۳-۱۲. قرآن و اهمیت حفظ مال ایتام.....
۱۸۲.....	۴-۱۲. یادآوری یک نکته
۱۸۳.....	۵-۱۲. پرداخت اموال یتیمان از دیدگاه قرآن
۱۸۷.....	۶-۱۲. دستور اخلاقی درباره یتیمان
۱۸۸.....	۷-۱۲. قرآن و دختران یتیم.....
۱۸۹.....	۸-۱۲. نوازش یتیمان در احادیث.....
۱۸۹.....	۱-۸-۱۲. خشنودی روز قیامت.....
۱۹۰.....	۲-۸-۱۲. سکونت در بهشت
۱۹۰.....	۳-۸-۱۲. تأمین مخارج یتیم و ورود به بهشت
۱۹۵.....	۹-۱۲. دست کشیدن بر سر یتیم و آثار آن.....
۱۹۵.....	۱-۹-۱۲. نرم شدن دل
۱۹۵.....	۲-۹-۱۲. برآورده شدن حاجت
۱۹۶.....	۳-۹-۱۲. بهشت جاودان
۱۹۶.....	۴-۹-۱۲. روشنایی روز قیامت
۱۹۶.....	۵-۹-۱۲. ترفیع درجه و از بین رفتن گناه
۱۹۷.....	۱۰-۱۲. ثواب پناه دادن به یتیم
۱۹۹.....	۱۱-۱۲. آثار سوء ظلم کردن بر یتیمان
۱۹۹.....	۱۲-۱۲. خوردن مال یتیم.....
۲۰۱.....	۱۳. بی‌احترامی به پدر و مادر
۲۰۲.....	۱-۱۳. اهمیت احترام به پدر و مادر در آیات قرآن
۲۰۶.....	۲-۱۳. تذکر چند نکته پیرامون احترام به پدر و مادر.....
۲۰۶.....	۱-۲-۱۳. نکته اول. اولویت مادر در قرآن
۲۰۸.....	۲-۲-۱۳. نکته دوم. مرز احسان به والدین و اطاعت آنها
۲۱۰.....	۳-۲-۱۳. نکته سوم. کمک‌های مادی به پدر و مادر در قرآن.....
۲۱۱.....	۴-۲-۱۳. نکته چهارم. قرآن و مجازات گستاخی در برابر والدین.....
۲۱۳.....	۳-۱۳. نیکی به پدر و مادر در روایات
۲۱۳.....	۴-۱۳. آثار مثبت احسان به والدین

- ۲۱۳..... ۱۳-۴-۱. بهترین کارها
- ۲۱۳..... ۱۳-۴-۲. رضایت پروردگار
- ۲۱۴..... ۱۳-۴-۳. زیر سایه عرش خدا
- ۲۱۴..... ۱۳-۴-۴. خشنودی پیامبر ﷺ
- ۲۱۵..... ۱۳-۴-۵. انس با پدر و مادر، بهتر از یکسال جهاد
- ۲۱۶..... ۱۳-۴-۶. لذت زندگی
- ۲۱۶..... ۱۳-۴-۷. سکونت در بهشت
- ۲۱۷..... ۱۳-۴-۸. نگاه به پدر و مادر عبادت است
- ۲۱۸..... ۱۳-۴-۹. طولانی شدن عمر و زیاد شدن روزی
- ۲۱۹..... ۱۳-۴-۱۰. آسان شدن سختی‌های مرگ
- ۲۲۰..... ۱۳-۵-۵. ترسیم زنده و گویای علی علیه السلام از لحظه مرگ
- ۲۲۱..... ۱۳-۵-۱. نشانه شیعه بودن
- ۲۲۲..... ۱۳-۵-۲. آسان شدن حساب روز قیامت
- ۲۲۲..... ۱۳-۶-۶. عواقب زیانبار بی‌احترامی به والدین
- ۲۲۲..... ۱۳-۶-۱. اذیت کردن خدا و رسول
- ۲۲۵..... ۱۳-۶-۲. عذاب دنیوی و اخروی
- ۲۲۶..... ۱۳-۶-۳. فقر و ذلت
- ۲۲۶..... ۱۳-۶-۴. محرومیت از بوی بهشت
- ۲۲۸..... ۱۳-۶-۵. پذیرفته نشدن عبادات
- ۲۳۰..... ۱۳-۶-۶. بدترین فرزندان
- ۲۳۰..... ۱۳-۶-۷. مستجاب نشدن دعا
- ۲۳۰..... ۱۳-۶-۸. بزرگ‌ترین گناه
- ۲۳۱..... ۱۳-۶-۹. عاق والدین در ردیف شرک به خدا
- ۲۳۳..... ۱۳-۶-۱۰. دوری از رحمت خدا
- ۲۳۵..... ۱۳-۷-۷. نکاتی پیرامون احترام به پدر و مادر
- ۲۳۵..... ۱۳-۷-۱. نکته اول: برتری مادر در روایات
- ۲۳۹..... الف. زحمات مادر در دوران بارداری
- ۲۴۰..... ب. برخی از احادیث در خصوص مادر

۲۴۲.....	ج. نقش رضایت مادر در لحظه مرگ.....
۲۴۳.....	۲-۷-۱۳. نکته دوم: نیکی به والدین حتی کافر و مشرک و.....
۲۴۴.....	۳-۷-۱۳. نکته سوم: نیکی به پدر و مادر در همه حال.....
۲۴۶.....	۴-۷-۱۳. نکته چهارم: کمک‌های مادی به والدین.....
۲۴۶.....	الف. اثر نیکی به والدین از نظر مادی: ماجرای گاو بنی اسرائیل.....
۲۴۸.....	ب. اثر منفی کمک نکردن به والدین: امشب از پدرت محتاج‌تر می‌شوی.....
۲۵۰.....	۵-۷-۱۳. نکته پنجم. وظایف والدین نسبت به فرزندان.....
۲۵۳.....	۶-۷-۱۳. نکته ششم. گستردگی معنای والدین.....
۲۵۴.....	۸-۱۳. پدر روحانی.....
۲۵۹.....	۱۴. صله رحم.....
۲۵۹.....	۱-۱۴. بهترین مردم.....
۲۵۹.....	۲-۱۴. صله رحم یکی از اجزاء دین.....
۲۵۹.....	۳-۱۴. روز قیامت و زبان تند و گویای رحم.....
۲۶۰.....	۴-۱۴. صله رحم در قرآن.....
۲۶۴.....	۵-۱۴. برکات پیوند محکم با خویشاوندان.....
۲۶۴.....	۶-۱۴. برکات و آثار صله رحم در روایات.....
۲۶۵.....	۱-۶-۱۴. طولانی شدن عمر.....
۲۶۶.....	۲-۶-۱۴. احترام خاله مانند احترام مادر.....
۲۶۹.....	۳-۶-۱۴. زیاد شدن روزی.....
۲۷۰.....	۴-۶-۱۴. فقرزدایی.....
۲۷۰.....	۵-۶-۱۴. پاداش سریع.....
۲۷۰.....	۶-۶-۱۴. پاک شدن اعمال.....
۲۷۰.....	۷-۶-۱۴. آسانی حساب روز قیامت.....
۲۷۱.....	۸-۶-۱۴. جلوگیری از بلاهای بزرگ.....
۲۷۱.....	۹-۶-۱۴. آبادی شهرها.....
۲۷۱.....	۱۰-۶-۱۴. محبوبیت میان خانواده.....
۲۷۱.....	۱۱-۶-۱۴. خلق نیکو.....
۲۷۱.....	۱۲-۶-۱۴. وسیله سخاوت.....

- ۲۷۲..... ۱۴-۶-۱۳. پاکیزگی روح
- ۲۷۲..... ۱۴-۷. صله رحم و سعادت آخرت
- ۲۷۲..... ۱۴-۷-۱. پاداش صد شهید
- ۲۷۳..... ۱۴-۷-۲. زیر سایه رحمت پروردگار
- ۲۷۳..... ۱۴-۷-۳. سکونت در بهشت
- ۲۷۳..... ۱۴-۸. نکاتی پیرامون صله رحم
- ۲۷۳..... ۱۴-۸-۱. پیوند خویشاوندی با سلام
- ۲۷۴..... ۱۴-۸-۲. صله رحم با یک جرعه آب
- ۲۷۴..... ۱۴-۸-۳. بهترین پیوند خویشاوندی
- ۲۷۵..... ۱۴-۸-۴. خویشاوندان پشت و پناه یکدیگرند
- ۲۷۵..... ۱۴-۸-۵. توجه به اقوام از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام
- ۲۷۷..... ۱۴-۸-۶. پیروزی فرزددق به خاطر قبیله‌اش
- ۲۷۸..... ۱۴-۸-۷. پیوند خویشاوندی با غیرمسلمان
- ۲۷۹..... ۱۴-۸-۸. پیوند با کسی که بریده است
- ۲۷۹..... ۱۴-۹. نیکی کردن به بستگان مخالف
- ۲۸۰..... ۱۴-۹-۱. کمک‌های امام صادق علیه السلام به خویشاوندان دشمن
- ۲۸۱..... ۱۴-۹-۲. کمک‌های امام جواد علیه السلام به خویشاوندان: رفت‌وآمد فقط از درب بزرگ
- ۲۸۲..... ۱۴-۱۰. احترام سالخوردگان
- ۲۸۸..... ۱۴-۱۰-۱. اسلام و احترام سالخوردگان
- ۲۸۹..... ۱۴-۱۰-۲. رعایت احترام بزرگسالان هنگام سخن گفتن
- ۲۸۹..... ۱۴-۱۰-۳. احترام هنگام راه رفتن با بزرگسالان
- ۲۹۰..... ۱۴-۱۰-۴. حقوق بزرگسالان در بیانی از امام سجاد علیه السلام
- ۲۹۰..... ۱۴-۱۰-۵. سالمندان مایه برکت زندگی
- ۲۹۰..... ۱۴-۱۰-۶. پیران در خانواده همانند پیامبران
- ۲۹۰..... ۱۴-۱۱. سالمندان و تأمین معاش
- ۲۹۲..... ۱۴-۱۱-۱. امیرمؤمنان علیه السلام و تأمین نصرانی از بیت‌المال
- ۲۹۵..... ۱۴-۱۲. آثار مثبت احترام به بزرگسالان
- ۲۹۵..... ۱۴-۱۲-۱. نشانه بزرگ شمردن خدا و رسول او

فهرست مطالب □ ۱۳

۲۹۶	۲-۱۲-۱۴. بیانی از علامه مجلسی
۲۹۶	۳-۱۲-۱۴. همنشینی با پیامبر ﷺ در قیامت
۲۹۶	۴-۱۲-۱۴. در امان بودن از وحشت روز قیامت
۲۹۷	۵-۱۲-۱۴. طولانی شدن عمر
۲۹۷	۶-۱۲-۱۴. نتیجه احترام به سالخورده‌ها در جوانی پس از پیری
۲۹۸	۱۳-۱۴. برخی آثار منفی و زیانبار بی حرمتی به سالخورده‌گان
۲۹۸	۱-۱۳-۱۴. قطع ارتباط با پیشوایان دینی
۲۹۹	۲-۱۳-۱۴. فقر و تهیدستی
۲۹۹	۳-۱۳-۱۴. علامت نفاق
۲۹۹	۴-۱۳-۱۴. خواری و ذلت
۳۰۱	نتیجه‌گیری
۳۱۱	منابع و مآخذ
۳۱۹	نمایه آیات
۳۲۳	نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنهاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق علیه السلام** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

فصل اول

کلیات گناه و بازتاب آن در قرآن و روایات

خطاها و گناهان درباره انسان از آفات و آسیب‌هایی است که تمام انبیاء و کتاب‌های آسمانی و ائمه معصومین علیهم‌السلام بشر را از آلودگی به آن بر حذر داشته و با هشدارها و تأکیدات خویش انسان‌ها را به پاکی، تقوا و اجتناب از گناه و معصیت دعوت کرده‌اند.

۱. گناه از نظر لغت

دهخدا می‌نویسد: «ذنب، اثم، جرم، عصیان، خطا، معصیت، گناه، جناح، وزر، ناشایست، هر کاری که کردن آن روا نباشد»^۱ و در اسلام هرگونه کاری که بر خلاف فرمان خدا باشد گناه است چه کوچک باشد و چه بزرگ. چرا که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ابوذر فرمود:

«به کوچکی گناه نگاه مکن بلکه بنگر از چه کسی نا فرمانی می‌کنی».^۲

درباره بدی گناه از نظر قرآن و پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام با واژه‌های مختلفی از آن یاد شده است که گویی هر کدام بخشی از آثار شوم گناه است و آنچه در قرآن آمده است عبارت است از: «ذنب، معصیت، اثم، سیئه، سوء، خطیئه، خطأ، جرم، فسق، فساد، فجور، منکر، فاحشه، وزر، شر، حنث، ثقل، لَمَم، حرام و حوب که با پیام مخصوص و

۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۰)، لغت‌نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران: دانشگاه تهران، ج ۲۲، ص ۶۳ ذنب.

۲. لَا تَنْظُرْ إِلَى صَغْرِ الْخَطِيئَةِ وَ لَكِنْ انظُرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَ (مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: منشورات مؤسسة الوفاء، ط ۲، ج ۷۴، ص ۷۷؛ وزام، مسعود بن عیسی (بی تا)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، بیروت: دارالتعارف، ج ۲، ص ۵۳).

هشدار ویژه‌ای انسان‌ها را از ارتکاب گناه بر حذر می‌دارد.^۱

۲. آزادی انسان

بی‌تردید انسان آزاد است و مختار و هر کاری که انجام می‌دهد از روی اراده و اختیار است. ملای رومی گوید:

زاری ما شد دلیل اضطرار	خجلت ما شد دلیل اختیار
گر نبودی اختیار این شرم چیست	وین دریغ و خجلت و آزرم چیست ^۲
اختیاری هست ما را بی‌گمان	حس را منکر تنانی شد عیان ^۳

و نیز گوید:

در هر آن کاری که میلستت بدان	قدرت خود را همی بینی عیان
واندر آن کاری که میل نیست و خواست	اندر آن جبری شوی کین از خداست ^۴

از این رو هر چه قدرت غرایز زیاد باشد در برابر اراده و اختیار انسان ناچیز است که اگر این نبود خدای متعال نمی‌فرمود:

«ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد و یا کفران ورزد (و نافرمانی کند).»^۵

و نمی‌فرمود: «راه خیر و شر را به او نمایانندیم».^۶

بنابراین اگر کسی تصمیم بگیرد و بخواهد با هوای نفس به مبارزه برخیزد و غریزه‌ها را آن‌گونه که باید کنترل کند، می‌تواند و هر چه انسان می‌بیند نتیجه عمل خود اوست که نصیبش می‌شود.

مسئله جبر و اختیار از مسائل سابقه‌دار است و بحث‌های فراوانی دارد ولی آنچه می‌توان گفت این است که ما در انتخاب، آزاد هستیم. حرکت دست با حرکت قلب ما یکسان نیست ولی حرکت دست ما به اختیار خود ماست. نه جبر درست است که

۱. جهت اطلاع بیشتر درباره این واژه‌ها رجوع شود به: علیدوست خراسانی، نورالله (۱۳۹۰)، در بارگاه نور ترجمه و شرح مناجات خمس عشر، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، صص ۸۸-۹۶.

۲. مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۸)، مثنوی معنوی، با مقدمه محمد عباسی، تهران: نشر طلوع، دفتر اول، صص ۲۸-۲۹.

۳. مولوی، ۱۳۷۸: دفتر پنجم، صص ۸۳۳.

۴. مولوی، ۱۳۷۸: دفتر اول، صص ۲۹.

۵. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (الانسان/۳).

۶. وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (البلد/۱۰).

بگوییم اصلاً اراده نداریم و نه تفویض درست است که بگوییم همه چیز در اختیار ماست. به گفته مولوی درباره شخصی که بر خلاف وجدان، خود را بی اراده فرض می کند می گوید:

آن یکی می رفت بالای درخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی
گفت از باغ خدا بنده خدا
عامیانه چه ملامت می کنی
گفت ای ای یک بیاور آن رسن
پس بستش سخت آن دم بر درخت
گفت آخر از خدا شرمی بدار
گفت از چوب خدا این بنده اش
چوب حق و پشت و پهلوی آن او
گفت توبه کردم از جبر ای عیار

و در مورد دیگر در مورد وجدانی بودن آزادی اراده می گوید:

سنگ را هرگز نگوید کس بیا
آدمی را کس نگوید هین پیر
کس نگوید سنگ را دیر آمدی
این چنین واجست ها مجبور را
امرونی و خشم و تشریف و عتیب

از کلوخی کس کجا جوید وفا
یا بیای کور تو در من نگر
یا که چو با تو چرا بر من زدی
کس بگوید یا زند معذور را
نیست جز مختار را ای پاک جیب^۲

۳. نتیجه اعمال در بعضی از آیات

و اینک به طور اختصار به بعضی از آیاتی که هر کاری انسان انجام می دهد باید نتیجه اش را ببیند اشاره می شود:

یک. امروز به هیچکس ستم نمی شود و جز آنچه را عمل کردید جزا داده نمی شوید.^۳
در این آیه خدای متعال بحث پیرامون چگونگی حساب در محشر را سر بسته گذارده و از آن می گذرد و به تشریح سرانجام کار مؤمنان صالح و کافران پرداخته که نه از پاداش کسی کاسته می شود و نه کیفر کسی افزون می گردد و سپس به بیانی

۱. مولوی، ۱۳۷۸: دفتر پنجم، ص ۸۳۸.

۲. مولوی، ۱۳۷۸: دفتر پنجم، صص ۸۳۳-۸۳۴.

۳. قَالِيَوْمَ لَا تَنْظُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (یس/۵۴).

می‌پردازد که در حقیقت دلیل روشن و زنده‌ای برای عدم وجود ظلم در آن دادگاه بزرگ است، همچنین می‌فرماید: «شما جز آنچه را عمل می‌کردید جزا داده نمی‌شوید».

دو. ظاهر این تعبیر این است که جزای همه شما اعمال خودتان است و چه عدالتی از این بهتر و برتر است. به عبارت دیگر اعمالی که از نیک و بد در این عالم انجام می‌دهید در آنجا همراه شما خواهد بود. همان اعمال تجسم می‌یابد و در تمام مواضع محشر و بعد از پایان حساب همدم و همنشین شماست و از اینجا روشن می‌شود که اساساً ظلم در آن صحنه مفهوم ندارد و اگر در اینجا در میان انسان‌ها گاهی عدالت است و گاهی ظلم به خاطر آن است که توانایی این را ندارند که اعمال هر کس را به خود او تحویل دهند.

سه. در آن روز هر امتی را می‌بینی (که از شدت ترس و وحشت) بر زانو نشسته هر امتی به سوی کتابش خوانده می‌شود و (به آن‌ها می‌گویند) امروز جزای آنچه را انجام می‌دادید به شما می‌دهند. این کتاب ماست که به حق با شما سخن می‌گوید (و اعمال شما را بازگو می‌کند) ما آنچه را انجام می‌دادید می‌نوشتیم.^۱

تعبیر هر امتی به سوی کتابش خوانده می‌شود نشان می‌دهد که علاوه بر نامه اعمالی که برای هر انسانی جداگانه موجود است هر امتی نیز نامه اعمالی متعلق به جمع و گروه خود دارد.

تعبیر تَدْعَى نشان می‌دهد که از آن‌ها دعوت می‌شود که بیایند و نامه اعمال خود را بخوانند. این شبیه همان مطلبی است که در آیه ۱۴ سوره اسراء می‌فرماید:

«نامه اعمال را بخوان. کافی است که خود حسابگر خویش باشی».^۲

بار دیگر از سوی خداوند به آن‌ها خطاب می‌شود و به‌عنوان تأکید می‌گوید:

«این کتاب ماست که به حق با شما سخن می‌گوید و اعمال شما را بازگو می‌کند. آن روز که شما هر چه می‌خواستید انجام می‌دادید و هرگز باور نمی‌کردید که اعمالتان در جایی ثبت شود ولی ما دستور داده بودیم که تمام اعمالی را که انجام می‌دادید، بنویسند».

۱. وَ تَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْرَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (الجاثیه/ ۲۸-۲۹).

۲. أَفْرَأَى كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا.

چهار. کسانی که آیات ما و لقای رستاخیز را تکذیب (و انکار) می‌کنند اعمال‌شان نابود می‌گردد آیا جز آنچه را عمل می‌کرده‌اند پاداش داده می‌شوند.^۱

حبط به معنای باطل و بی‌خاصیت نمودن عمل است یعنی این‌گونه افراد حتی اگر کار خیری انجام دهند نتیجه‌ای برای آن‌ها نخواهد داشت و در پایان آیه چنین اضافه می‌کند که این سرنوشت برای آن‌ها جنبه انتقامی ندارد. این نتیجه اعمال خود آن‌هاست بلکه عین اعمال آن‌هاست که در برابرشان مجسم شده است.

و این آیه یکی دیگر از آیاتی است که دلیل بر تجسم اعمال و حضور خود اعمال نیک و بد در قیامت می‌باشند.

پنج. و آن‌ها که اعمال بدی انجام می‌دهند به رو در آتش افکنده می‌شوند آیا جزایی جز آنچه عمل می‌کردید خواهید داشت.^۲

افکندن این گروه را به صورت در آتش به‌عنوان بدترین نوع عذاب است به علاوه چون آن‌ها هنگامی که مواجه با حق می‌شدند صورت خود را بر می‌گرداندند و با همان صورت از گناه استقبال می‌کردند اکنون باید گرفتار چنین مجازاتی شوند و خلاصه اینکه این همان اعمال آن‌هاست که دامان‌شان را گرفته و جزایی جز دیدن اعمال‌شان ندارند. شش. در آن وارد شوید و بسوزید می‌خواهید صبر کنید یا نکنید برای شما تفاوتی نمی‌کند چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می‌شود.^۳

این اعمال خودتان است که به سوی شما بازگشته است بنابراین جزع و فزع و آه‌وناله و بی‌تابی تأثیری ندارد. این آیه تأکید مجددی است بر مسئله تجسم اعمال و بازگشت آن به سوی انسان و نیز تأکید مجددی است بر مسئله عدالت پروردگار. چرا که آتش جهنم هر قدر سوزان باشد و مجازات آن دردناک، چیزی جز نتیجه اعمال خود انسان‌ها نیست.

خدای متعال درباره قوم ثمود می‌فرماید:

«قوم ثمود بر اثر طغیان (پیامبرشان) را تکذیب کردند. آنگاه که شقی‌ترین آن‌ها به پا خاست. و فرستاده الهی (صالح) به آن‌ها گفت: ناقه خدا را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید) ولی آن‌ها او را تکذیب نمودند و ناقه را پی کردند و به هلاکت

۱. وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (الاعراف/ ۱۴۷).

۲. وَمَنْ جَاءَ بِالسَّبْتَةِ فَكَبَّتْ وَجْوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (النمل/ ۹۰).

۳. اضلُّوها فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (الطور/ ۱۶).

رسیدند. از این رو پروردگارتان آن‌ها را به خاطر گناهی که مرتکب شده بودند در هم کوبید و سرزمین‌شان را صاف و مسطح نمود و او هرگز از فرجام این کار بیم ندارد.^۱ قوم ثمود به سبب طغیان، پیامبرشان را تکذیب کردند و آیات الهی را انکار نمودند و سرانجام خداوند آن‌ها را با یک صاعقه آسمانی نابود کرد و به دنبال این تکذیب و مخالفت شدید خداوند چنان آن‌ها را مجازات کرد که اثری از آنان باقی نماند. صاعقه همان صیحه عظیم آسمانی در چند لحظه کوتاه چنان زلزله و لرزه‌ای در سرزمین آن‌ها ایجاد کرد که تمام بناها روی هم خوابید و صاف شد و خانه‌هایشان را به گورهای آن‌ها مبدل ساخت.

در آخرین آیه برای اینکه هشدار محکمی به تمام کسانی که در همان مسیر و خط حرکت می‌کنند بدهد می‌فرماید: «ولا یخاف عقباها»، یعنی خداوند هرگز از فرجام این کار بیمی ندارد زیرا بسیاریند حاکمانی که قدرت بر مجازات دارند ولی پیوسته از پیامدهای آن بیمناکند و از واکنش‌ها و عکس‌العمل‌ها ترسان و به همین دلیل از قدرت خود استفاده نمی‌کنند و یا به تعبیر صحیح‌تر قدرت آنان آمیخته با ضعف و ناتوانی و عملشان آمیخته با جهل است چرا که می‌ترسند توانایی بر مقابله با پیامدهای آن نداشته باشند ولی خداوند قادر متعال که علمش احاطه به همه این امور و عواقب و آثار آن‌ها دارد و قدرتش برای مقابله با پیامدهای حوادث با هیچ ضعفی آمیخته نیست، بیمی از عواقب این امور ندارد و به همین دلیل با نهایت قدرت و قاطعیت آنچه را که اراده کرده است انجام می‌دهد.

طغیانگران و گنهکاران در هر زمانی باید حساب کار خود را برسند و از اینکه به خاطر اعمال‌شان مشمول خشم و غضب الهی گردند خود را بر حذر دارند و بدانند که مجازات آن‌ها نتیجه گناه‌شان و متناسب با آن است و این عین عدالت و حکمت است. از این رو می‌فرماید: «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آن‌ها را بچشانند شاید (به سوی حق) بازگردند».^۲

۱. كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوِيهَا. إِذِ انبَعَثَ أَشْقِيهَا. فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيِيهَا. فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا. وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (الشمس/ ۱۱-۱۵).

۲. ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (الروم/ ۴۱).

خدا می‌خواهد عکس‌العمل کارهای مردم را به آن‌ها نشان دهد و نتیجه بعضی از اعمالی را که انجام داده‌اند به آن‌ها بچشانند شاید بیدار شوند و به سوی حق بازگردند. این آیه معنی وسیع و گسترده‌ای را پیرامون ارتباط «فساد» و «گناه» با یکدیگر بیان می‌کند که نه مخصوص سرزمین مکه و حجاز است و نه عصر و زمان پیامبر ﷺ. بلکه به اصطلاح از قبیل قضیه حقیقه است که پیوند «محمول» و «موضوع» را بیان می‌کند به عبارت دیگر هر جا فسادی ظاهر شود بازتاب اعمال مردم است و در ضمن یک هدف تربیتی دارد تا مردم طعم تلخ نتیجه اعمال‌شان را بچشند شاید به خود آیند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«زندگی موجودات دریا به وسیله باران است هنگامی که باران نبارد هم خشکی‌ها به فساد کشیده می‌شود و هم دریا و این هنگامی است که گناهان فزونی گیرد»^۱.

۴. رابطه گناه و فساد

بدون شک هر کار خلافی در وضع «جامعه» و از طریق آن در وضع «افراد» اثر می‌گذارد و موجب نوعی فساد در سازمان اجتماعی می‌شود. گناه و کار خلاف و قانون‌شکنی همانند یک غذای ناسالم و مسموم است که در سازمان بدن انسان چه بخواهیم و چه نخواهیم تأثیر نامطلوب خواهد گذارد و انسان گرفتار واکنش طبیعی آن می‌شود. دروغ سلب اعتماد می‌کند. خیانت در امانت روابط اجتماعی را بر هم می‌زند ظلم همیشه منشأ ظلم دیگری است، ترک حقوق محرومان کینه و عداوت می‌آفریند و تراکم کینه‌ها و عداوت‌ها اساس جامعه را متزلزل می‌سازد.

هر کار نادرست چه در مقیاس محدود و چه گسترده عکس‌العمل نامطلوبی دارد و یکی از تفسیرهای آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» همین است و این رابطه طبیعی گناه و فساد است.

ولی از روایات اسلامی استفاده می‌شود که بسیاری از گناهان علاوه بر این‌ها یک سلسله آثار شوم با خود همراه می‌آورند که ارتباط و پیوندشان با آن آثار لااقل از نظر طبیعی ناشناخته است. به‌طور مثال در روایات آمده است قطع رحم عمر را کوتاه می‌کند

۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۶ق)، میزان فی تفسیر القرآن، ط ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

و خوردن مال حرام قلب را تاریک و شیوع زنا سبب فزونی انسان‌ها می‌شود و روزی را کم می‌کند.^۱

حتی در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«آن‌ها که به وسیله گناه از دنیا می‌روند بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی می‌میرند».^۲

نظیر همین معنی به تعبیر دیگری در قرآن مجید آمده است. آنجا که می‌فرماید: «اگر آن‌ها که در شهرها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان‌ها و زمین را به روی آن‌ها می‌گشاییم، ولی آیات ما را تکذیب کردند ما نیز آن‌ها را به مجازات اعمال‌شان گرفتیم».^۳

به این ترتیب فساد در آیه دربرگیرنده مفساد اجتماعی و بلاها و سلب برکات است. نکته قابل توجه دیگر اینکه از آیه فوق در ضمن استفاده می‌شود که یکی از فلسفه‌های آفات و بلاها، تأثیر تربیتی آن‌ها روی انسان‌هاست. آن‌ها باید واکنش اعمال خود را ببینند تا از خواب غفلت بیدار شوند و به سوی تقوی و پاکی بازگردند.

۵. تغییرات از خود ماست (یک قانون کلی)

در دو مورد از قرآن با تفاوت مختصری خدای متعال یک قانون کلی و عمومی را بیان می‌کند که قانونی سرنوشت‌ساز و حرکت‌آفرین و هشداردهنده است. یکجا می‌فرماید: «... خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن‌ها خود را تغییر دهند...».^۴

و در جای دیگر می‌فرماید:

۱. در حدیثی از پیامبر آمده است که فرمود: «بَا عَلِيٍّ فِي الرَّزَا سِتُّ خِصَالٍ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَيَذْهَبُ بِالنِّبَاءِ وَ يُعَجِّلُ الْمَنَاءَ وَ يَقْطَعُ الرَّزْقَ وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَسَوْءُ الْحِسَابِ وَ سَخَطُ الرَّحْمَنِ وَ الْخُلُودُ فِي النَّارِ»، یعنی زنا شش عقوبت دارد، سه عقوبت در دنیا و سه عقوبت در آخرت و اما در دنیا نورانیت را از انسان سلب می‌کند و مرگ زودرس می‌آورد و روزی را قطع می‌نماید و اما در آخرت باعث سخت‌گیری در حساب و خشم پروردگار و خلود در آتش است (قمی، عباس (بی‌تا، الف)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی، ج ۱، ص ۵۶۰ «زنی»).

۲. مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ (قمی، بی‌تا، الف، ج ۱: ص ۴۸۸).

۳. وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (الاعراف: ۹۶).

۴. إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ... (الرعد/۱۱).

«این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی‌دهد جز آنکه آن‌ها خودشان را تغییر دهند و خداوند شنوا و دانا است»^۱.

این قانون که یکی از پایه‌های اساسی جهان بینی و جامعه شناسی در اسلام است به ما می‌گوید مقلدّرات شما قبل از هر چیز و هرکس در دست خود شماست و هرگونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام در درجه اول به خود آن‌ها بازگشت می‌کند. آنچه اساس و پایه است این است که ملت‌ی خود به‌خواهد سربلند و سرفراز و پیروز و پیشرو باشد و یا به عکس خودش تن به ذلت و زبونی و شکست در دهد. این اراده و خواست ملت‌ها و تغییرات درونی آن‌هاست که آن‌ها را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد.

به تعبیر دیگر این اصل قرآنی که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند به ما می‌گوید هرگونه تغییرات برونی متکی به تغییرات درونی ملت‌ها و اقوام است و هرگونه پیروزی و شکستی که به قومی رسید از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین آن‌ها که همیشه برای تبرئه خویش به دنبال عوامل برونی می‌گردند سخت در اشتباهند. این اصل قرآنی می‌گوید برای پایان دادن به بدبختی‌ها و ناکامی‌ها باید فوری به جست‌وجوی نقطه‌های ضعف خویش تن پردازیم و آن‌ها را با آب توبه و بازگشت به سوی حق از دامان روح و جان خود بشویم و هنگامی که ما از درون دگرگون شدیم همه چیز دگرگون می‌شود.

به تعبیر دیگر فیض رحمت خدا بی‌کران و عمومی و همگانی است ولی به تناسب شایستگی‌ها و لیاقت‌ها به مردم می‌رسد. در ابتدا خدا نعمت‌های مادی و معنوی خویش را شامل حال اقوام می‌کند چنانچه نعمت‌های الهی را وسیله‌ای برای تکامل خویش ساختند و از آن در مسیر حق مدد گرفتند و شکر آن را که همان استفاده صحیح است به‌جا آوردند، نعمتش را پایدار بلکه افزون می‌سازد اما هنگامی که این مواهب وسیله‌ای برای طغیان و سرکشی و ظلم و بیدادگری و تبعیض و ناسپاسی و غرور و آلودگی گردد در این هنگام نعمت‌ها را می‌گیرد و یا آن را تبدیل به بلا و مصیبت می‌کند. بنابراین دگرگونی‌ها همواره از ناحیه ماست و گرنه مواهب الهی زوال‌ناپذیر است.

۱. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (الانفال/ ۵۳).

از این رو در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «خداوند هیچ نعمتی که به بنده‌ای بخشیده، از او نمی‌گیرد مگر اینکه گناهی کند که به خاطر آن مستحق سلب آن نعمت شود».^۱

در حدیث دیگری فرمود: «خداوند پیامبری را مأمور کرد که این سخن را به قوم خود بگوید که هیچ جمعیت و گروهی که در پرتو اطاعت من در خوشی و آسایش بوده‌اند از آنچه موجب رضایت من است تغییر حالت نداده‌اند مگر اینکه من هم آن‌ها را از آنچه دوست می‌دارند به آنچه ناخوش دارند تغییر حال داده‌ام و هر گروه و خانواده‌ای که به خاطر معصیت گرفتار ناراحتی بوده‌اند سپس از آنچه موجب عدم رضایت من است تغییر موضع داده‌اند من هم آن‌ها را به آنچه دوست دارند رسانده و تغییر موضع داده‌ام».^۲

۶. تناسب گناه و کیفر

مجازات گاهی دردناک است که به آن عذاب الیم گفته می‌شود مانند شلاق زدن و آزار بدنی و گاهی توهین‌آمیز است که به آن عذاب «مهین» گفته می‌شود مانند پاشیدن لجن بر کسی و مانند آن و گاهی به سروصداست که به آن عذاب عظیم می‌گویند مانند مجازات در حضور جمعیت و نیز گاهی اثر آن در وجود انسان عمیق است و تا مدتی باقی می‌ماند که به آن عذاب شدید گفته می‌شود مانند: زندان‌های طولانی با اعمال شاقه.

روشن است که توصیف عذاب به یکی از صفات تناسبی با نوع گناه دارد از این رو در بسیاری از آیات قرآن مجازات ظالمان به‌عنوان عذاب الیم آمده است زیرا متناسب با دردناک بودن ظلم نسبت به بندگان خداست که به‌عنوان نمونه قرآن می‌فرماید:

«کسانی که آنچه را خدا از کتاب نازل کرده کتمان می‌کنند و به بهای کمی می‌فروشند آن‌ها جز آتش چیزی نمی‌خورند و خداوند روز قیامت با آن‌ها سخن نمی‌گوید و آن‌ها را پاکیزه نمی‌کند و برای آن‌ها عذاب دردناک است».^۳

۱. مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَسَلَبَهَا إِلَيْهَا حَتَّى يُذَرَّبَ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ السَّلْبَ (حویزی (عروسی)، عبد علی بن جمعه (بی‌تا)، تفسیر نورالقلین، بی‌جا: بی‌نا، ج ۲، ص ۱۶۳).

۲. حویزی، بی‌تا، ج ۲: ص ۱۶۳

۳. إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيُسْتَرُونَ بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا أَوْلِيكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (البقره/ ۱۷۳ و آیاتی مانند: بقره/ ۱۰۴، ۱۷۸؛ آل عمران/ ۲۱، ۱۷۷، ۱۸۸؛ مانده/ ۳۶، ۷۳، ۹۴).

و کسانی که گناه‌شان توهین‌آمیز بوده عذاب‌شان نیز توهین‌آمیز است و همچنین آن‌ها که دست به گناهان شدید و یا پر سروصدا می‌زنند کیفری همانند آن دارند و منظور از ذکر مثال‌های فوق نزدیک ساختن مطلب به ذهن است و گرنه مجازات‌های آن جهان قابل مقایسه با مجازات‌های این عالم نیست.

تعبیراتی که در قرآن در مورد عذاب قوم ثمود آمده طاغیه است که می‌فرماید:
«اما قوم ثمود با عذابی سرکش هلاک شدند»^۱

قابل توجه اینکه، قرآن عامل نابودی این قوم سرکش را عذابی سرکش می‌شمرد و تعبیر به «طاغیه» می‌کند و این‌گونه عذاب در سوره اعراف به‌عنوان «رجفه» (زلزله) ذکر شده است که می‌فرماید: «سپس ناقه را پی‌کردند و از فرمان پروردگارشان سر پیچیدند و گفتند: ای صالح اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی آنچه ما را با آن تهدید می‌کنی بیاور. سرانجام زمین‌لرزه آن‌ها را فرا گرفت و صبحگاهان و (تنها) جسم بی‌جان‌شان در خانه‌هاشان باقی مانده بود»^۲.

در مورد قوم عاد تعبیر به «عاتیه» می‌کند و می‌فرماید:

«و اما قوم عاد به وسیله تند بادی طغیانگر و سرد و پر سروصدا به هلاکت رسیدند»^۳

و در سوره فصلت تعبیر به صاعقه شده است که می‌فرماید:

«اگر آن‌ها رویگردان شوند بگو من شما را به صاعقه‌ای همانند صاعقه عاد و ثمود تهدید می‌کنم»^۴.

از آن بترسید که همان صاعقه‌های مرگبار و آتش‌زا و درهم‌کوبنده به سراغ شما بیاید و به زندگی ننگین شما خاتمه دهد.

و در سوره هود تعبیر به صیحه شده است که می‌فرماید:

«و آن‌ها را که ستم کرده بودند صیحه (آسمانی) فروگرفت و در خانه‌هایشان به روی افتادند و مردند. آن‌چنان که گویی هرگز ساکن آن دیار نبودند، بدانید قوم ثمود

۱. فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (الحاقه/ ۵).

۲. فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ إِنَّا بِمَا نَعُدُّكَ إِن كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ * فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (الاعراف/ ۷۷-۷۸).

۳. وَ أَمَّا عادُ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (الحاقه/ ۶).

۴. فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عادٍ وَ ثَمُودَ (فصلت/ ۱۳).

پروردگارشان را انکار کردند و دور باد قوم ثمود (از رحمت پروردگار)^۱.
تعبیراتی که در آیات فوق آمده است که در مورد عذاب قوم ثمود «طاغیه» و در مورد قوم عاد «عاتیه» آمده است همه این‌ها مفهوم طغیان و سرکشی در آن نهفته است و به این ترتیب عذاب این اقوام طغیانگر، طغیان بعضی از مواهب زندگی شمرده شده است و این تعبیرات تأکیدی بر این حقیقت است که کیفرهای دنیا و آخرت تجسمی از اعمال خود ماست و این کردار انسان‌هاست که به آن‌ها باز می‌گردد.

خلاصه اینکه این حقیقت که تمام کارهای انسان چه کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان و حتی نیات و عقاید انسان ثبت و ضبط می‌شود در بسیاری از آیات قرآن منعکس است. در یکجا می‌فرماید:

«هر کاری را که انجام دادند در نامه‌های اعمال‌شان ثبت است و هر عمل کوچک و بزرگی نوشته می‌شود».^۲

در جای دیگری می‌فرماید: «رسولان ما آنچه مکر می‌کنید می‌نویسند».^۳
و در جای دیگر می‌خوانیم: «ما آنچه را از پیش فرستاده‌اند و همچنین تمام آثار آن‌ها را می‌نویسیم».^۴

از این‌رو هنگامی که نامه اعمال مجرمان را به دست آن‌ها می‌دهند فریادشان بلند می‌شود و می‌گویند:

«ای وای بر ما این چه کتابی است که هیچ کار کوچک و بزرگی نیست مگر اینکه آن را ثبت و شماره کرده است».^۵

بدون شک کسی که این واقعیت را با تمام قلبش باور کند در انجام کارها بسیار دقیق و حسابگر خواهد بود و همین اعتقاد مانع بزرگی میان انسان و گناه ایجاد می‌کند و می‌فهمد که هر کاری که انجام می‌دهد نتیجه‌اش را می‌بیند چنانکه قرآن می‌فرماید:
«مستضعفان به مستکبران می‌گویند و سوسه‌های فریبکارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد) هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و

۱. وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَائِعِينَ * كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودِ (هود/ ۶۷-۶۸).

۲. وَ كُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ * وَ كُلُّ صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ مُّسْتَقَرٌّ (القمر/ ۵۲-۵۳).

۳. إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (یونس/ ۲۱).

۴. وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آتَاهُمْ (یس/ ۱۲).

۵. يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا (الكهف/ ۴۹).

شریک‌هایی برای او قرار دهیم آن‌ها هنگامی که عذاب (الهی) را می‌بینند ندامت خود را کتمان می‌کنند (مبادا بیشتر رسوا شوند) و ما غل‌وزنجیر در گردن کافران می‌نهیم. آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آن‌ها جزا داده می‌شود؟!^۱

این اعمال و کردار کفار و مجرمان است که به صورت زنجیرهای اسارت بر گردن و دست‌وپای آن‌ها گذارده می‌شود و این آیه مسئله تجسم اعمال را روشن می‌سازد زیرا سخن از این می‌گوید که جزای آن‌ها خود اعمال آنهاست.

این آیات می‌فرماید: تمام کارهایی که انجام می‌دهید سود و زیانش متوجه خود شماست این شما هستید که در پرتو اعمال صالح تکامل می‌یابید و به آسمان قرب خدا پرواز می‌کنید و این شما هستید که بر اثر جرم و گناه سقوط کرده و در پرتگاه غضب و دوری از رحمت او گرفتار لعنت ابدی می‌شوید.

یکجا می‌فرماید:

«اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید...»^۲
و می‌فرماید: «... (انسان) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است...»^۳

یکجا می‌فرماید: «کسی که شکرگزاری کند به نفع خودش شکر گزارده و کسی که کفران کند خداوند غنی و حمید است»^۴.

و در جای دیگری می‌خوانیم: «کسی که پاکی گزیند به نفع خود اوست و بازگشت همه به سوی خداست»^۵.

و فرمود: «کسی که هدایت یابد به نفع خود اوست و کسی که گمراه شود ضلالتش به زیان خود اوست»^۶.

و فرمود: «کسی که عمل صالحی به‌جا آورد، برای خود به‌جا آورده است و کسی که کار

۱. وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَعْقَابَ فِي أَغْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سبأ/ ۳۳).

۲. إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا... (الاسراء/ ۷).

۳. ... لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ... (البقره/ ۲۸۶).

۴. ... مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ... (لقمان/ ۱۲).

۵. ... مَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (فاطر/ ۱۸).

۶. ... فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا... (الزمر/ ۴۱).

بد می‌کند، به زیان خود اوست؛ سپس همگی به سوی پروردگارتان برمی‌گردید.^۱ البته مبارزه کردن با این نفس که دشمن ستیزه‌جو و مهاجمی است^۲، کاری است بس سخت و دشوار و برای رسیدن به این راه باید انسان خود را به زحمت و مشقت بیندازد، آسایش را بر خود حرام کند تا بتواند با موفقیت در این راه گام بردارد. قرآن می‌فرماید:

«مسلم با سختی آسانی است و مسلم با سختی آسانی است».^۳

شیخ بهایی گوید:

تا نسازی بر خود آسایش حرام	کی توانی زد به راه عشق گام
غیر ناکامی، در این ره، کام نیست	راه عشق است این، ره حمام نیست
نیست جز تقوی، در این ره توشه‌ای	نان و حلوا را بهل در گوشه‌ای
نان و حلوا چیست؟ جاه و مال تو	باغ و راغ و حشمت و اقبال تو
نان و حلوا چیست؟ این طول امل	وین غرور نفس و علم بی‌عمل ^۴

اما این نکته را نباید نادیده گرفت که آنگاه عنایت پروردگار شامل حال انسان می‌شود و به او کمک می‌کند که با هوای نفس مبارزه کند و تصمیم جدی بگیرد که از خواسته‌های نامشروع درونی خود چشم‌پوشد زیرا کسی که هر چه دلش خواست انجام بدهد هرگز به این مرحله نمی‌رسد. شیخ بهایی گوید:

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد	نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد
و گر به آب ریاضت برآوری غسلی	همه کدورت دل را صفا توانی کرد
ولیک این عمل ره روان چالاکست	تو نازنین جهانی کجا توانی کرد ^۵

دلی می‌تواند صفا و نورانیت پیدا کند که خواست پروردگار را بر هوای خویش مقدم دارد و جز او هوایی دیگر در سر نپروراند. کسی که شهوات و خواسته‌های درونی خود را کنترل نکند، برای همیشه در گناه و معصیت غوطه‌ور خواهد شد،

۱. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (الجاثیه/ ۱۵).

۲. امیرمؤمنان فرمود: نَفْسُكَ عَدُوٌّ مُحَارِبٌ وَ صِدْقٌ مُؤْتَبَرٌ إِنْ عَقَلْتَ عَنْهَا قَتَلْتَكِ، یعنی نفس تو دشمنی ستیزه‌جو و مهاجمی ناهمتاست که اگر از او غافل شوی تو را خواهد کشت (محدث ارموی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۶)، فهرست موضوعی شرح فارسی غرالحکم و دررالکلم آمدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۹۲، حدیث شماره ۹۹۸۴).

۳. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (الشرح/ ۵-۶).

۴. شیخ بهایی، محمدبن حسین (بی‌تا. ب)، کلیات شیخ بهایی، به کوشش غلامحسین جواهری، تهران: سنائی، ص ۱۱-۱۲.

۵. شیخ بهایی، محمدبن حسین (بی‌تا. الف)، کشکول، قم: انتشارات شرکت طبع و نشر، ج ۲، ص ۲۶۷.